



فقرزدایی و تعاون

از: مریم طبرستانی

۲

باید این نکته را مد نظر داشت که شرکتهای معدنی خصوصی نیز گرچه می‌توانند مانند شرکتهای تعاونی معدنی، روستاییان بیکاران را جذب نمایند اما از نظر محرومیت زدایی نمی‌توانند نقش شرکتهای تعاونی را ایفا کنند، زیرا در شرکتهای خصوصی ارزش افزوده حاصله عمدتاً نصیب کارفرما شده و بخشی از آن به صورت دستمزد به کارگران، که در حقیقت همان بیکاران روستایی جذب شده هستند، می‌رسد. در این گونه شرکتهای کارگر از تضمین شغلی برخوردار نبوده و باتوجه به غیرماهر بودن وی از یک سو و خیل متقاضیان کار در مناطق روستایی از سوی دیگر، از حداقل حقوق و دستمزد برخوردار است که نتیجتاً این مقدار درآمد نخواهد توانست نقش مفصلی در رفع محرومیت کارگر داشته باشد. درحالی‌که در شرکتهای تعاونی معدنی ارزش افزوده حاصله بین کلیه اعضا تقسیم شده و در نتیجه هر یک از اعضا یا در واقع کارگران درآمد قابل قبولی را از این طریق کسب

می‌کنند که می‌تواند نیازهای اساسی آنها را تأمین نماید.

در اینجا به یک نمونه از شرکتهای تعاونی معدنی که در یکی از نقاط محروم کشور ایجاد شده به نام شرکت تعاونی شماره ۱۵۱ پوکة قزلچه کند اشاره می‌گردد.

روستای قزلچه کند از محرومترین روستاهای استان کردستان در ۲۶ کیلومتری شهرستان قروه واقع و ۲۰ کیلومتر از مسیر مذکور خاکی است. از لحاظ معیشتی ساکنین این روستا در حد بسیار پایینی قرار داشته و برخلاف سایر روستاها فاقد زراعت و دامداری می‌باشد، زیرا روستا فاقد مرتع و زمین زراعتی مناسب است.

تعداد اعضا اولیه این شرکت ۷۰ نفر و تعداد اعضا در پایان سال ۱۳۷۳، ۲۵۰ نفر بوده است. کلیه اعضا با رعایت نوبت در معدن مشغول به کار هستند. متوسط دریافتی سالانه هر عضو طی سال ۱۳۷۴ حدود ۲/۵ میلیون ریال بوده است. برای

تعداد کثیری از خانوارها دریافت این مبلغ اهمیت حیاتی دارد به گونه‌ای که با رکود چند ماهه شرکت در سال ۱۳۷۳ کلیه اعضا هر روز به فرمانداری شهرستان قروه و اداره کل تعاون مراجعه و خواستار رفع مشکل بوده‌اند.

سرمایه اولیه ۱/۴ میلیون ریال و سرمایه فعلی با احتساب ذخایر ۵/۸ میلیون ریال و سود حاصله در سال ۱۳۷۳، حدود ۱۰ میلیون ریال و در سال ۱۳۷۴ حدود ۱۸ میلیون ریال بوده است.

تعداد افراد تحت تکفل اعضای شرکت

بالغ بر ۱۵۰۰ نفر یعنی کل جمعیت روستا می‌باشد. این تعاونی در کارهای عام‌المنفعه از قبیل ترمیم مسجد و حمام روستا، ساخت پل و غیره مشارکت فعال داشته و در سال ۱۳۷۴ حدود ۲ میلیون ریال به شورای روستا کمک نموده است. کمکهای دولتی اعطا شده به این تعاونی با احتساب حقوق استخراج، به مأخذ هر تن ۳۰۰ ریال می‌باشد. در حالی که از معادن بخش خصوصی بالغ بر ۱۵۰۰ ریال برای هر تن اخذ می‌شود که این امر موجب پیشرفت فعالیت تعاونی در مقابل سایر شرکتهای گردیده است.

تشکیل شرکتهای تعاونی صنعتی به خصوص صنایع تبدیل فرآورده‌های کشاورزی از قبیل صنایع کمپوت سازی، کنسرو سازی، پنیر سازی و... از دیگر امکاناتی است که می‌توان در اشتغال بیکاران روستایی و محرومیت زدایی از آنان، بکار گرفته.

باتوجه به عدم تمایل سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به امر سرمایه‌گذاری در مناطق دور افتاده و محروم، تنها راه برای ایجاد چنین صنایعی در این گونه مناطق استفاده از ساکنین این مناطق است که با توجه به کمبود سرمایه از یک جهت و فقر اطلاعات علمی و فنی از جهت دیگر، جمع آوری و انباشت سرمایه‌های اندک اعضا

در کنار اعتبارات و دوره‌های آموزشی بخش تعاون می‌تواند زمینه ساز ایجاد چنین صناعی در قالب شرکتهای تعاونی گردد. ایجاد ۱۱۱ تعاونی صنعتی با اشتغالزایی ۱۷۵۲ نفر در استان کردستان دال بر واقعیت مذکور می‌باشد.

۳-۱- بالا بودن هزینه نسبت به درآمد.

از دیگر عوامل به وجود آورنده فقر، رشد سریع هزینه‌ها نسبت به درآمدهاست که این امر در میان مدت و بلند مدت موجب شکاف بین درآمدها و هزینه‌های خانوار شده و بافرونی گرفتن هزینه‌ها بر درآمد، خانوارها قادر به تأمین نیازهای اولیه خود نبوده و در نتیجه موجب عدم تأمین نیازهای اولیه (خوراک، پوشاک و مسکن) و یا به عبارت دیگر فقر و محرومیت خانوار می‌گردد.

این مسئله عموماً در دوره‌های توری مشاهده می‌گردد و ناشی از تغییر قیمت‌های نسبی و تغییر رابطه مبادله به زیان برخی از اقلام می‌باشد. در شرایط توری معمولاً سیاست‌گذارهای دولت به گونه‌ای است که رابطه مبادله به زیان محصولات تولیدی کشاورزان تغییر می‌کند. با توجه به اینکه مواد غذایی ضروری‌ترین نیاز افراد جامعه را تشکیل می‌دهد لذا در شرایط توری دولت سعی می‌کند از طرق مختلف از جمله واردات، قیمت اینگونه اقلام را در سطح نسبتاً پایینی نگهدارد، که این امر نهایتاً کاهش درآمد تولید کنندگان این اقلام را که در حقیقت خود بخشی از محرومین جامعه را تشکیل می‌دهند به همراه داشته و باعث می‌گردد تا قیمت محصولات تولیدی کشاورزان به طور اخص و تولیدات روستاییان به طور اعم کمتر از قیمت کالاهای تولید شده در بخش صنعت و خدمات افزایش یابد که این امر به معنای تغییر قیمت‌های نسبی به زیان تولیدات بخش

روستایی است.

براساس اطلاعات سال ۱۳۷۲ شاخص بهای عمده فروشی مواد خوراکی ۵۸۰/۱ بوده در حالی که شاخص کل ۷۶۷ و شاخص مواد صنعتی (غیر از سوخت‌ها) ۱۱۳۹/۸ بوده است.^(۵)

از سوی دیگر وجود واسطه‌ها و سلف خران مزید بر علت شده و موجب اختلاف شدید قیمت عرضه محصولات تولیدی روستاییان با قیمت خرید این اقلام از روستاها می‌گردد. این دو مسئله نهایتاً موجب فقر بیش از پیش روستاییان شده و آنها را از نظر درآمدی در گروه محرومین جامعه قرار می‌دهد.

راه حلی که در برخورد با فقر روستایی به نظر می‌رسد آن است که به طریقی بجز افزایش قیمت کالاهای تولیدی کشاورز، درآمد وی را افزایش و هزینه هایش را کاهش داد.

به طوری که گفته شد بخش اعظم قیمت تولیدات روستاییان به جیب واسطه‌ها و دلالان سراریز شده و تنها بخش اندکی به تولیدکنندگان اصلی می‌رسد. بنابراین می‌توان با حذف این واسطه‌ها عملاً دریافتی کشاورزان را بدون آنکه نیازی به افزایش قیمت وجود داشته باشد افزایش داد (و در برخی موارد حتی می‌توان قیمت بازار را کاهش داد).

تشکیل شرکتهای تعاونی بازاریابی محصولات کشاورزی می‌تواند مناسبترین

راه حل برای عرضه مستقیم محصولات کشاورزی به مصرف کنندگان و حذف واسطه‌ها باشد. این شرکتها که می‌توانند با تشویق دولت توسط خود کشاورزان تشکیل گردند با جمع آوری محصولات تولید شده توسط اعضا و در نتیجه افزایش حجم محصولات عرضه شده، امکان عرضه مستقیم و مستمر تولیدات را فراهم نموده و دست واسطه‌ها را کوتاه می‌نمایند.

ایجاد شرکتهای تعاونی و بازاریابی محصولات کشاورزی، می‌تواند روشهای بازاریابی محصولات تولیدی کشاورزان کوچک را بهبود بخشد، امکانات لازم برای دستیابی این کشاورزان به بازار کالا اعم از داخلی و خارجی را فراهم سازد، ضایعات محصولات کشاورز و هزینه‌های بازاریابی محصولات را کاهش دهد. سهم تولید کنندگان را از قیمت نهایی فروش محصولات افزایش داده و نهایتاً افزایش درآمد خالص کشاورزان کوچک را به دنبال داشته باشد، که این امر به معنای محرومیت‌زدایی از کشاورزان کوچکی است که حاصل تلاش و زحمات یک ساله آنها به جیب واسطه‌ها می‌رود. از سوی دیگر تاسیس چنین شرکتهایی موجب عرضه یکنواخت محصول طی سال می‌گردد که به این ترتیب مصرف کننده نیز از رفاه بیشتر و قیمت‌های عادلانه‌تری برخوردار خواهد شد.

بی شک یکی از روشهای موفق برای محرومیت زدایی در کشور استفاده از تعاونیها است که شرط لازم برای فعال نمودن این بخش تخصیص اعتبارات لازم به بخش تعاون جهت پیشبرد امر آموزش از یک سو، و اتخاذ تصمیمات مناسب به منظور همکاری بیش از پیش سیستم بانکی کشور جهت پرداخت اعتبارات تخصیص داده شده به بخش تعاون - به متقاضیان تشکیل شرکتهای تعاونی - از سوی دیگر است.

بنابراین اینگونه شرکتها به طور همزمان درآمد تولیدکننده را افزایش و هزینه مصرفکننده را کاهش می‌دهد که در هر دو بعد می‌تواند در زمینه محرومیت زدایی مؤثر واقع شود. از طرف دیگر شرکتهای تعاونی مصرف روستایی نیز می‌توانند با تامین کالاهای مورد نیاز کشاورزان با قیمت مناسب نقش مهمی در کاهش هزینه‌های روستاییان داشته باشند. بنابراین جهت رفع محرومیت ناشی از وضعیت خاص دوران تورمی، می‌توان از شرکتهای تعاونی بازاریابی محصولات کشاورزی و شرکتهای تعاونی مصرف روستایی به عنوان اهم مؤثری استفاده نمود.

۲. محرومیت زدایی از مناطق شهری

۲-۱. فقر ناشی از کهولت، معلولیت، نداشتن نان آور و... چنانکه قبلاً ذکر شد برای این دسته از محرومین هم در مناطق روستایی و هم در مناطق شهری، باتوجه به اینکه معمولاً نمی‌توان از طریق ایجاد اشتغال، درآمد این افراد را افزایش داد، تنها راه حل، استفاده از (تعمیم) پوششهای مناسب تأمین اجتماعی و سازمانهای خیریه می‌باشد.

۲-۲. فقر ناشی از بیکاری و بیکاری پنهان: انواع شرکتهای تعاونی تولیدی به خصوص صنایع کاربر مناسبترین راه حل جهت اشتغال به کار این قبیل افراد و در نتیجه ایجاد درآمد برای آنها می‌باشد. در اینجا نیز باید توجه داشت که ایجاد شرکتهای تولیدی خصوصی نیز می‌تواند راه حلی جهت اشتغال به کار این افراد باشد اما چند عامل وجود دارد که شرکتهای تعاونی را از شرکتهای خصوصی متمایز می‌سازد.

الف - باتوجه به موقعیت اقتصادی کنونی کشور تمایل سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در امور تولیدی کمتر از



که نقدینگی کشور در سال ۱۳۷۱ بالغ بر ۳۵۸۶۶ میلیارد ریال بوده و افزایش حجم نقدینگی سال ۱۳۷۱ نسبت به سال ۱۳۷۰ بالغ بر ۷۲۲۷/۶ میلیارد ریال بوده است این امر به خوبی عدم تمایل سرمایه‌گذاران بخش خصوصی را به امر سرمایه‌گذاری در مشاغل مولد نشان می‌دهد.

ب - سرمایه‌گذاران که به کارهای تولیدی می‌پردازند فعالیتهای سرمایه را به فعالیتهای کاربر ترجیح می‌دهند که این امر نیز اشتغالزایی شرکتهای خصوصی را کاهش می‌دهد.

ج - دستمزد پرداختی این شرکتها به کارگران متناسب با هزینه‌های آنها نبوده و نمی‌تواند کلیه نیازهای آنها را برآورده سازد.

باتوجه به نکات فوق جهت اشتغال به کار افراد بیکار، ایجاد درآمد و رفع محرومیت از آنها در مناطق شهری ایجاد شرکتهای تولیدی تعاونی بهترین راه حل

تمایل آنها به امر واسطه‌گری می‌باشد. به عبارت دیگر باتوجه به ریسک حاصل از فعالیتهای تولیدی، قوانین و مقررات مربوط به نیروی کار، بازدهی سرمایه و... سرمایه‌داران ترجیح می‌دهند به جای صرف سرمایه خود در امر تولید به مشاغل واسطه‌گری روی آورند که این امر عملاً استفاده از سرمایه‌های بخش خصوصی در جهت اشتغالزایی را کاهش می‌دهد اطلاعات چند سال گذشته به خوبی بیانگر این امر می‌باشد. کل سرمایه‌گذاری سال ۱۳۷۱ بخش خصوصی، شامل سرمایه‌گذاری در ماشین آلات و ساختمان برابر با ۸۶۳۷/۷ میلیارد ریال بوده است. باتوجه به اینکه حدود ۶۰ درصد از کل سرمایه‌گذاری کشور طی این سال جهت جبران استهلاك بوده، می‌توان گفت که سرمایه‌گذاری خالص بخش خصوصی نیز حدود نیمی از مبلغ مذکور (سرمایه‌گذاری ناخالص این بخش) بوده است. از آنجایی

در این زمینه می‌باشد.

۲-۳. فقر ناشی از نامتناسب بودن درآمد و هزینه خانوار در مناطق شهری

یکی از مشکلاتی که در دوران توری دامنگیر خانوارها به خصوص دارندگان درآمد ثابت (مزد و حقوق بگیران بخش دولتی و خصوصی) می‌گردد آن است که رشد هزینه‌ها بیش از درآمد است و علی‌رغم آنکه نان آور خانواده شاغل است و حتی ممکن است بیش از یک شغل هم داشته باشد اما درآمد وی کفاف هزینه‌هایش را نمی‌دهد.

باتوجه به وضعیت توزیع درآمد در مناطق شهری فشار مضاعف بر اقشار محروم جامعه وارد می‌شود. بر این اساس محرومیت زدایی از اقشار شاغل کم درآمد عبارت است از افزایش حقوق و دستمزد، کاهش هزینه و یا هر دو به طور همزمان، باتوجه به اینکه افزایش حقوق و دستمزد طی سالیان گذشته همواره افزایش هزینه‌ها را به دنبال داشته است، و همچنین باتوجه به اینکه توان مالی دولت برای انجام چنین کاری محدود است، افزایش حقوق و دستمزد به تنهایی متضمن رفع محرومیت و افزایش سطح رفاه این قشر از جامعه نخواهد بود.

بنابراین باید در کنار افزایش حقوق و دستمزد راه‌های عملی برای کاهش و یا حداقل ثابت نگهداشتن هزینه‌های خانوار نیز اتخاذ گردد. نظر به اینکه بخش اعظم هزینه‌های خانوار را خوراک، پوشاک و مسکن تشکیل می‌دهد، لذا کاهش و یا ثبات قیمت این اقلام به معنای کاهش و یا ثبات هزینه‌های اقشار محروم نقاط شهری می‌باشد. در شرایط فعلی مهمترین مشکل هر خانوار محروم شهری، مشکل مسکن است. نرخ بالای رشد جمعیت طی چند سال اول پس از انقلاب و میزان مهاجرت به شهرها از یک سو و مشکلات و کمبودهای

ناشی از جنگ تحمیلی از سوی دیگر باعث شده است که بخش خصوصی توان انبوه‌سازی و عرضه فراوان مسکن را نداشته باشد.

از طرف دیگر باتوجه به بازدهی سرمایه در بازار و به خصوص در امور واسطه‌گری و مشکلات و موانع موجود در امر ساخت مسکن تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری عمده در این نوع فعالیت کاهش می‌یابد. علاوه بر اینها، آن قشر از بخش خصوصی نیز که در این زمینه فعالیت دارد تولیدات خود را به قیمتی ارائه می‌نماید که حداقل بتواند سوددهی معادل بازدهی سرمایه در بازار داشته باشد که این امر موجب افزایش قیمت مسکن می‌گردد. این درحالی است که دولت نیز به دلایل مختلف (که در اینجا مجال بحث ندارد) توان و امکانات کافی را برای سرمایه‌گذاری جهت ساخت انبوه مسکن ندارد.

بنابراین در شرایط فعلی بهترین راه جهت حل معضل مسکن در نقاط شهری، استفاده از امکانات بخش سوم اقتصاد یعنی بخش تعاون می‌باشد. از آنجا که این بخش بر جمع‌آوری و انباشت سرمایه‌های اندک اعضا، امکانات مدیریتی و نظارتی اعضا و هدف نبودن کسب سود استوار است می‌تواند راه‌گشای حل مشکل مسکن باشد، که در این راستا تشکیل ۷۲۸۱ شرکت تعاونی مسکن کارمندی، کارگری و آزاد تا آبان ۱۳۷۴ با ۱۴۲۲۲۲۵ عضو (۹۴۸۹۷ نفر شاغل) بیانگر تمایل افراد جامعه در استفاده از امکانات بخش تعاون جهت تأمین مسکن بوده است. برطبق اطلاعات موجود تا پایان نیمه اول سال ۱۳۷۳ شرکتهای تعاونی مسکن نسبت به تکمیل ۲۰۹۸۷۵ واحد اقدام نموده و ۱۸۵۲۱۰ واحد مسکونی نیز در دست احداث بوده است. همچنین اطلاعات اخذ شده از ۱۸ استان بیانگر آن است که شرکتهای تعاونی مسکن

طی نه ماه اول سال ۱۳۷۴، ۲۱۰۴۱ واحد مسکونی را تکمیل و ۴۸۲۹۵ واحد نیز در دست احداث داشته‌اند.

شرکتهای تعاونی مصرف از دیگر امکاناتی است که از آنها می‌توان جهت کاهش هزینه مواد خوراکی و سایر ملزومات اقشار محروم به کار گرفت. نسبت واحدهای عمده‌فروشی به خرده‌فروشی در بخش خصوصی ۱ تا ۲۵ بوده که این نسبت در تعاونیهای مصرف ۱ به ۱۰۴ می‌باشد. یعنی هر ۲۵ خرده‌فروشی در بخش خصوصی باید هزینه، مالیات و سود یک عمده‌فروشی را تأمین نماید در حالی که در بخش تعاونی این نسبت ۱۰۴ است. نسبت واحدهای خرده‌فروشی موجود در بخش خصوصی به خانوارهای شهری ۱ به ۱۰ می‌باشد در حالی که نسبت تعاونیها به خانوارهای تحت پوشش ۱ به ۷۵۴ است.

به عبارت دیگر هر ده خانوار شهری در ازای خرید از خرده‌فروشان بخش خصوصی می‌بایست هزینه، مالیات و سود یک واحد خرده‌فروشی را تأمین نمایند. در صورتی که این نسبت برای خریداران از شرکتهای تعاونی ۷۵۴ خانوار برای هر شرکت می‌باشد. مضافاً اینکه هزینه و سود در شرکتهای تعاونی بسیار نازلتر از بخش خصوصی بوده و اساساً قابل قیاس نیست. عوامل فوق باعث شده تا سطح قیمت در شرکتهای تعاونی مصرف پایین‌تر از سطح قیمت در بخش خصوصی باشد. به طوری که تحقیقات انجام شده در این زمینه نشان داده است که قیمت اقلام عرضه شده در شرکتهای تعاونی مصرف به طور متوسط بین ۲ تا ۲۸ درصد پایینتر از سطح قیمت کالاهای مشابه در فروشگاهها و خرده‌فروشیهای سطح شهر می‌باشد. بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت که تأسیس شرکتهای تعاونی مصرف مطلوبترین روش برای کاهش هزینه



تعاونیها و آمال اجتماعی بشر

تعاون روابط اقتصادی را برپایه مناسبات اجتماعی استوار می‌سازد، و کوشش می‌کند که این روابط برپایه کمک متقابل و ارائه خدمات و شناخت نیازهای مشترک باشد، نه براساس سودجویی و رقابت‌های غیر مشروع و ازدیاد نامعقول ثروتها. این فکر مطلوب و اندیشه دلپذیری است که انسانها به خود ارج نهند، و مناسبات فیما بین را برپایه فضائل و کمالات خود و نه برپایه جنگ و ستیز استوار سازند.

و بهره‌وری بیشتر از نعمتها را نشان می‌دهد.

آیا آمال جامعه بشری جز این بوده است که با حفظ مقام انسانی و رعایت عدالت و انصاف، به توزیع عادلانه ثروت موفق شود و با تأمین رفاه همگانی، حلقه‌های دوستی و همکاری و برادری را هرچه بیشتر محکم نماید؟ وفور و فراوانی ایجاد کند و از این فراوانی، سعادت‌ی مطلوب برای همگان فراهم آورد؟

بلی، انقلاب صنعتی باعث افزایش تولید شد و افزایش تولید ثروت ملی را ازدیاد بخشید، ولی مصیبت در این بود که این ثروت ملی به طریقی عادلانه توزیع نمی‌شد. ثروتمندان ثروتمندتر، و فقرا فقیرتر میشدند. و این امر ذره‌ای را که بین طبقه مرفه و زحمتکش وجود داشت، عمیق‌تر و وحشتناک‌تر می‌ساخت.

سازندگی به آرامش نیاز دارد، و آرامش در جامعه بشری حاصل نمی‌شود مگر به رعایت برابری و عدل و انصاف و حرمت انسانی، و این است آنچه که نهضت تعاون بما هدیه می‌کند، و ما را بقبول آن

ویرانگری و محو آثار تمدن بشری اختصاص دهند. آمال اجتماعی بشر، بسط عدالت و ازدیاد ثروت ملی و تنعم هر چه بیشتر از مواهب موجود بوده است؛ تا انسانها بتوانند در سایه محبت، اتفاق، صلح، آشتی، برابری، برادری، و حفظ احترام متقابل زندگی کنند، و بگذارند که دیگران به حیات خود ادامه دهند.

قیام ملتها هیچگاه سبب و علتی جز کسب آزادی و تحصیل و تثبیت و حیثیت و شخصیت انسانی نداشته است. فقدان تأمین مادی و معنوی، جز فقدان آزادی و عدالت و انصاف تعبیری ندارد؛ و اگر فقر و گرسنگی و بی‌سوادی و جهل و استثمار و بیماری معنوی بر پیکر جامعه بشریت تازیانه می‌زنند، معنایش آنست که هنوز آزادی و برابری و انصاف مورد رعایت قرار نگرفته است.

نهضت تعاونی با شناخت انسانها و ارج نهادن به شرافت و حیثیت انسانی توده مردم، بنیان نوین و نظم جدیدی در روابط اقتصادی و اجتماعی بشر پی‌ریزی می‌کند، هدف زندگی را می‌نمایاند، و راه بهزیستی

نهضت تعاونی به عنوان نهضتی اقتصادی - اجتماعی، مبشر ایجاد نظامی است که هدفهای اقتصادی را با مقاصد اجتماعی تلفیق ساخته است. اصول اساسی نهضت تعاونی احترام به حیثیت و شخصیت و آزادی انسان است. در این نظام، تأمین رفاه اجتماعی توده مردم از طریق تکیه به ارزشهای والای انسانی، هدف اصلی است؛ و چنین است که جمیع مساعی و فعالیتهای مختلف اقتصادی به منظور حصول این هدف، دنبال می‌شود.

بشر در طی قرون متمادی همواره هدفش در مقام انسانی، بسط آزادی و ازدیاد ثروت ملی و تأمین رفاه و آسایش اجتماعی بوده است. بگذریم از انقلابات و اختلافاتی که به اشکال گوناگون، و بخاطر ارضاء سببیت افرادی چند که در مقام مقایسه با جامعه جهانی بشریت تعدادشان بسیار معدود است، غارتها، و جنگها، خونریزیها و کشت و کشتارهای فجیعی را در سالیان دراز به وجود آورده است. این میل و خواسته توده مردم نبوده که کمربه قتل و کشتار ببینند، و ثروتها را برای

دعوت می‌نماید.

تعاون روابط اقتصادی را برپایه مناسبات اجتماعی استوار می‌سازد، و کوشش می‌کند که این روابط برپایه کمک متقابل و ارائه خدمات و شناخت نیازهای مشترک باشد، نه براساس سودجویی و رقابت‌های غیر مشروع و ازدیاد نامعقول ثروتها. این فکر مطلوب و اندیشه دلپذیری است که انسانها به خود ارج نهند، و مناسبات فیما بین را برپایه فضائل و کمالات خود و نه برپایه جنگ و ستیز استوار سازند. خیمه‌ای برپا کنند که هر خسته‌ای را در سایه خود آرامشی دهد، و چراغی بیفروزند که هر کم گشته‌ای را دلیل

و راهنما باشد. آرامشی به وجود آورند که در پرتو آن سازندگی امکان‌پذیر شود، و محبت و عشق به هم نوع فرصت ظهور و بروز یابد.

اعتقاد امری است قلبی. وقتی قلب پذیرفت، شخص معتقد می‌شود، و آرامش می‌یابد. تعاون نیز چنین است. قبول آن جز از راه ایجاد اعتقاد ممکن نیست. تعاون مذهب و مسلکی است اجتماعی که آمال بشری را تحقق می‌بخشد، و به کم گشتگی انسانها پایان می‌دهد. برای ترویج و تبلیغ این نهضت باید ایجاد اعتقاد کرد، و در دلها و مغزها نفوذ نمود. راه زندگی را نشان داد و به بشر آموخت که غرض از خلقت،

همکاری و محبت و کمک متقابل و مقدم داشتن نفع جمع بر نفع فرد است. و این است راهی که مصلحان و خیراندیشان جوامع بشری در پیش گرفتند، و راحت و آسایش خود را فدا کردند، تا به ما راه زندگی بنمایانند.

یک مثل چینی می‌گوید: «اگر به شخصی یک دانه ماهی بدهی غذای یک روز او را تأمین کرده‌ای، ولی به او ماهی گرفتن را یاد دهی، غذای یک عمر او را فراهم آورده‌ای». به این مثال بیندیشیم، و برای تحقق آمال بشری به تعاونیها پیوندیم، و در ترویج و تبلیغ این نهضت کوشا باشیم.

از کتاب «فناهای تعاونی» - سازمان مرکزی تعاون

بقیه از صفحه ۴۹

واردات پشم طبق آمارهای گمرکی در طی سالیهای ۱۳۷۱ الی ۱۳۷۴ بشرح ذیل می‌باشد.

مبادی ورودی به کشور وارد می‌شود و حدود ۴ هزار تن آن به ارزش تقریبی ۱۵ میلیون دلار بمصرف قالیبافی می‌رسد

رنگرزی خامه از مواد رنگرزی شیمیائی استفاده می‌گردد.

لذا محاسبه ارزشی مواد رنگرزی بشرح زیر می‌باشد:

$$15 \times 4/8 \times 90 \times 175 = 486$$

دلار ارزشی مواد رنگرزی هر متر مربع فرش

$$\frac{7500000}{15000000} = 0.5$$

دلار متوسط ارزشی پشم مصرفی در هر متر مربع فرش

علاوه بر این مقداری پشم هم جهت مصارف قالیبافی از طریق مرزهای زمینی و معمولاً بصورت تبادل کالا و غیره به کشور وارد می‌شود بانضمام پشمهای وارداتی از مرزهای زمینی که آمار درستی در این زمینه وجود ندارد.

در سال ۱۳۷۲ به علت حذف پیمان و مزیت فراوان از صادراتی برای واردات کالا، طبق بررسیهای کارشناسی به عمل آمده قیمت فرشهای صادراتی به طور متوسط حدود ۲۰ درصد بیشتر از مبلغ واقعی اظهار شده است لذا رقم واقعی صادرات در این سال حدود ۱۱۷۲ میلیون دلار بوده است.

میزان واردات پشم در سالیهای ۱۳۷۱ الی ۱۳۷۴

سال	مقدار به هزار تن	ارزش به میلیون دلار
۱۳۷۱	۶/۲	۲۵
۱۳۷۲	۶/۵	۲۲
۱۳۷۳	۷	۱۷/۶
۱۳۷۴	۷/۸	۲۲

کیلوگرم میزان پشم هر کوسفند تعداد دام کشتارکامی

$$11000 + 7250 \times 15000000$$

میزان پشم دباغی به تن

پشم قابل استفاده در قالیبافی

$$49000 = 11000 - 60000$$

$$46000 = 30000 - 49000$$

کسر می‌شود میزان ۳۰۰۰ تن مصرف پشم در نمد مالی و غیره

$$24000 = 46000 - 70000$$

کمبود پشم در صنعت فرش

$$12000 = 2 \times 24000$$

۵ - ارزشی

همه ساله مقادیری پشم بطور رسمی از

ضمن اینکه برابر آمار غیررسمی حدود ۸ هزار تن پشم هم از طریق مرزهای زمینی و معمولاً بشکل تبادل کالا به کشور وارد می‌شود.

مواد رنگرزی شیمیایی از دیگر اقلام وارداتی است که هم در صنایع نساجی و هم در رنگرزی خامه قالی کاربرد دارد.

با عنایت به اینکه برای رنگرزی هر کیلوگرم نخ پشم حدود ۱۵ دلار مواد رنگرزی شیمیائی مصرف می‌شود و نزدیک ۹۰ درصد این مواد وارداتی است و در هر متر مربع فرش پشمی حدود ۴/۸ کیلوگرم پشم مصرف می‌شود و حدود ۷۵ درصد از

شیوه تعاونی، مروج دموکراسی است

نهضت تعاون نه تنها در بهبود وضع اقتصادی افراد نقش بسزائی دارد، بلکه اثرات عمیق آن بر روابط انسانها و دگرگونی طرز فکر و پرورش شخصیت آنان که زائیده تربیت تعاونی است، نیز در خوراهمیت فراوان است.

اساس فلسفی و روانی فعالیت‌های تعاونی با دو عبارت خودیاری و کمک متقابل بخوبی قابل توجیه است، و این دو عنصر که همواره دوشادوش یکدیگر گام برمی‌دارند دو ستون اصلی ساختار تعاونیها را تشکیل می‌دهند.

خودیاری در نظام تعاون دارای اهمیت ویژه‌ای است و هرکس که بخواهد راه تعاون را درپیش گیرد ناگزیر است که شخصاً و با اراده آزاد خویش، به این کار اقدام نماید؛ و زمانی که شخص آزادانه به صفوف تعاون پیوست، وظایف اخلاقی و اجتماعی وسیعی را بعهده خواهد گرفت.

خرید سهام تعاونی در حقیقت قبول مسئولیت در کار تعاونی است، و کسی که به این طریق به عضویت یک واحد تعاونی می‌پیوندد، خود را مکلف میسازد که فعالیت‌های خویش را در آن مؤسسه متمرکز سازد، در کار شرکت تعاونی مشارکت جوید، به اتفاق سایر اعضا اتخاذ تصمیم نماید، و به سهم خود عهده دار مسئولیت تصمیمات مزبور باشد.

کمک متقابل دنباله خودیاری است، و مفهوم تعاونی‌اش این است که هرکس که می‌خواهد مورد کمک قرار گیرد ابتدا باید خود به کمک دیگران بپردازد، و بداند که کمک دادن سبب کمک گرفتن خواهد بود؛ اگر انتظار دارد که دیگران به حمایت او

برخیزند، باید خود نیز متقابلاً حامی و مددکار دیگران باشد.

این ایده اساسی تعاون با بهم پیوستن قوا توسط مردمی که احتیاجات مشترک دارند، و مصممند تا با کوشش دسته جمعی آنها رابرتطرف سازند، ابراز می‌کردد، و نتایج آن هنگامی به ظهور می‌رسد که افراد تعاونی مسلک در کنار یکدیگر و دوش بدوش هم بدون هیچگونه قید و شرطی از یکدیگر

یک سازمان تعاونی هرگز نمی‌تواند

نقش خود را فقط به فعالیتهای اقتصادی محدود سازد. زیرا تعاونیها گذشته از بهبود وضع اقتصادی اعضای وظیفه بزرگتر و سنگین‌تری را به عهده دارند. بدین معنی که تعاونیها عامل ارتقاء سطح آموزش، اخلاق و روابط اجتماعی اعضا خود هستند، و در کلیه شرایط و انواع فعالیتها کوشش می‌کنند تا از طریق اتحاد و هماهنگی، عامل تربیت افرادی واجد اعتماد و اتکاء بنفوس و آگاه از ارزش و استعدادای خود باشند. بهمین علت، اهمیت اجتماعی و تربیتی کار تعاون در امر آموزشی است که بوسیله آن، افراد بتوانند امور مربوط بخود را به شیوه تعاونی عمل نمایند و با بکار بستن روشهای همکاری، از شرایط مساعد اقتصادی بهره‌مند گردند.

حمایت نمایند، و در تعقیب منظور مشترکشان با یکدیگر بصورت دوستان متفق، همدل و هم زبان باشند. این نخستین جنبه تربیتی نظام تعاون برای افراد جامعه است، زیرا تعاونیها از طریق پرورش خصوصیات اخلاقی و انسانی موجب بهم پیوستن افراد و طبقات بیکیدیگر، و عامل توافق و تفاهم آنان محسوب می‌شوند.

کار تعاونی باتکیه به خودیاری و کمک متقابل، به افراد می‌آموزد که قادرند سازمانها و مؤسسات متعلق به خویش را بدست خود اداره نمایند، و مشکلات خود را به اتکای قوای جمعی خود چاره جویی کنند. شرایط کار و زندگی را در جهت مثبت و موافق منافع خویش دگرگون سازند، موقعیت اجتماعی جدیدی بدست آورند و نقش تازه‌ای در جامعه به عهده گیرند.

هدف اجتماعی نظام تعاون تربیت افراد برای زندگی بهتر با مناسبات اجتماعی معقول و شرافتمندانه است، و فعالیت‌های آن به مردم ایمان، اعتماد بنفوس و قاطعیت و استقامت می‌دهد. و عنصر انسانی را برای جامعه متحول تعاونی که جهان سلامت و همراهی است بنحو صحیح پرورش میدهد. یک سازمان تعاونی هرگز نمی‌تواند

نقش خود را فقط به فعالیتهای اقتصادی محدود سازد، زیرا تعاونیها گذشته از بهبود وضع اقتصادی اعضای وظیفه بزرگتر و سنگین‌تری را به عهده دارند. بدین معنی که تعاونیها عامل ارتقاء سطح آموزش، اخلاق و روابط اجتماعی اعضا خود هستند، و در کلیه شرایط و انواع فعالیتها کوشش می‌کنند تا از طریق اتحاد و هماهنگی، عامل تربیت افرادی واجد اعتماد

کار تعاونی باتکیه به خودیاری و کمک متقابل، به افراد می آموزد که قادرند سازمانها و مؤسسات متعلق به خویش را بدست خود اداره نمایند، و مشکلات خود را به اتکای قوای جمعی خود چاره جوئی کنند. شرایط کار و زندگی را در جهت مثبت و موافق منافع خویش دگرگون سازند، موقعیت اجتماعی جدیدی بدست آورند و نقش تازه‌ای در جامعه به عهده گیرند.

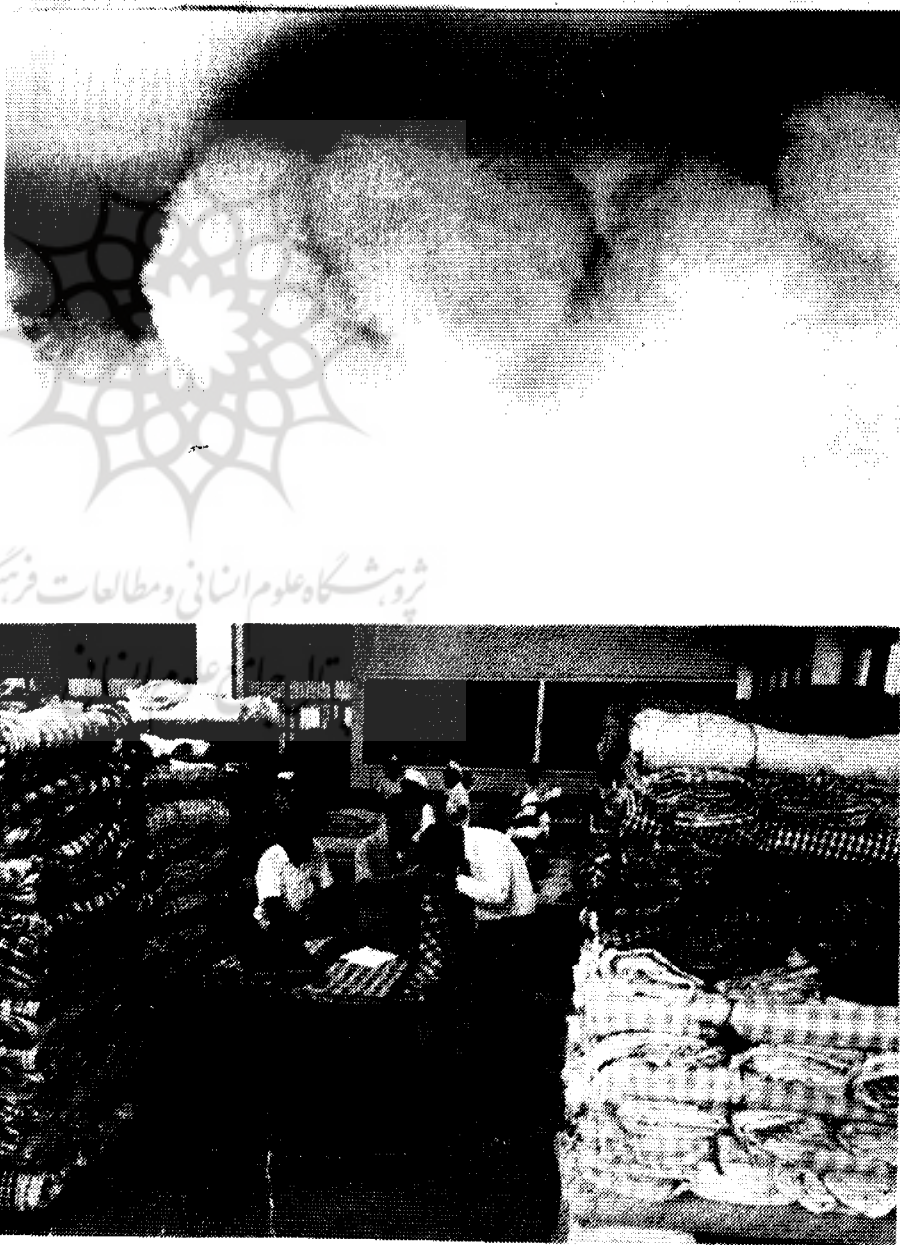
است؛ زیرا در اثر بکار بستن اصول تعاون، تحت نفوذ معنوی و تربیتی آن نیز قرار می‌گیرند، و اعمال روزانه و روابط اجتماعی خویش را مطابق مفهوم و خصوصیات این نظام تنظیم می‌نمایند. بهمین جهت افرادی که به پیروی از اصول تعاون و پیوندهای اخلاقی آن متشکل میشوند، نه تنها از لحاظ اقتصادی در کار خویش موفقند، بلکه در مبارزه برای ایجاد عدالت اجتماعی نیز همواره در صف مقدم اجتماع قرار دارند.

کار تعاونی، دگرگونی جامعه انسانی را با تربیت و پرورش خود انسان آغاز میکند، و این امر را از طریق جلب مردم به فلسفه تعاونی و تلقی جدیدی از زندگی و مسائل حیاتی، و همچنین تقویت مبانی انسانی و ایجاد اتکاء بنفس در افراد، جامعه عمل می‌پوشاند. بعبارت دیگر، از راه اعطای تجارب، تعلیمات اقتصادی و آموزش مناسبات انسانی توسط تعاونیها، نقش اجتماعی تازه‌ای به انسانها محول میشود. روابط نوینی بین افراد برقرار میگردد، و جوامعی با علائق مشترک و افکار و آرزوهای مشترک ایجاد میگردد که اساس و مبنای روابط اعضای آن مساوات و دوستی و برابری است. انسانهای تربیت شده در این نظام که به نیروهای پایان‌ناپذیر همکاری مجهزند، نشان خواهند داد که افراد، هنگامیکه بوسیله فکر تعاون و روح خودیاری بحرکت درآیند، میتوانند زندگی بهتر، سعادتمندتر و مسووف‌تری بنا کنند، و با آزادی عمل و روشهای دموکراتیک موجب رونق و ارتقاء سطح زندگی خود گردند.

بکار بستن روشهای همکاری، از شرایط مساعد اقتصادی بهره‌مند گردند.

اجرای اصول تعاون، در روی شخصیت انسانی نیز دارای اثرات شگرفی

و اتکاء بنفس و آگاه از ارزش و استعدادای خود باشند. بهمین علت، اهمیت اجتماعی و تربیتی کار تعاون در امر آموزشی است که بوسیله آن، افراد بتوانند امور مربوط بخود را به شیوه تعاونی عمل نمایند و با



نگرشی اقتصادی و تحلیلی بر صنعت و هنر

۱ فرش دستباف ایران

محمود ستوده بقا

پیشگفتار

بمنظور تهیه و تنظیم گزارش تحلیلی از صنعت فرش دستباف کشور دبیرخانه کمیته بندک تبصره ۵ قانون بودجه سال ۷۷ با همکاری سازمانها و ارگانهای مربوطه اقدام به جمع آوری اطلاعات از طریق تنظیم پرسشنامه و ارسال آن به کلیه استانداردها و وزارتخانه‌های بازرگانی (شرکت سهامی فرش ایران) جهاد سازندگی، تعاون، سازمان صنایع دستی، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و اتحادیه‌ها صادرکنندگان فرش نموده و پس از جمع بندی اطلاعات واصله در طی چندین جلسه به تهیه گزارش مختصر زیر با همیاری سازمانهای ذیربط پرداخت.

از آنجا که تجزیه و تحلیل هر موضوع برپایه آمار و اطلاعات انجام پذیر است و در زمینه فرش دستباف بعلم گسترده‌ی، پراکندگی، خانگی بودن و ویژگی‌های فرهنگی مناطق مختلف تولیدی تهیه آمار و اطلاعات دقیق تاکنون امکان پذیر نبوده و آمارگیری سال ۱۳۷۳ مرکز آمار ایران هم نیز براساس نمونه‌گیری انجام شده است نمی‌توان صنعت فرش دستباف را همانگونه که واقعیت دارد به تصویر کشید. با توجه به این مهم که بافندگان فرش رنجی به بلندای تاریخ را در پشت سر دارند و تصمیم‌گیری در مورد صنعت فرش اثر مستقیم بر زندگی این قشر دارد و تاکنون آمارگیری جامع و کاملی از این صنعت بعمل نیامده لذا اجرای آمارگیری جامع صنعت فرش اعم از روستائی،

عشایری، شهری، دولتی، تعاونی و خصوصی توسط مرکز آمار ایران و با همکاری و همفکری سازمانهای ذیربط نظیر جهادسازندگی، شرکت فرش، سازمان صنایع دستی، وزارت تعاون، سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام، مرکز پژوهشهای بازرگانی، وزارت صنایع، وزارت کشاورزی و سازمان برنامه و بودجه ضروری می‌باشد.

در این نگرش سعی شده است با توجه به وضعیت موجود مسائل اقتصادی مربوط به صنعت فرش دستباف مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

بخش اول - وضعیت عوامل تولید

الف - نیروی انسانی

۱ - اشتغال کنونی

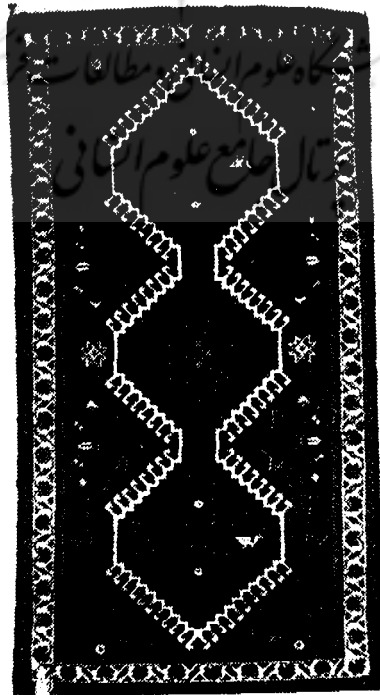
عامل اصلی در تولید فرش نیروی کار بافندگان شاغل در این صنعت می‌باشد. بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۳ مرکز آمار ایران اشتغال کنونی بافندگان فرش در کشور به میزان * ۱/۵۷۱/۹۸۸ نفر زن و ۳۰۷۸۹۰ نفر مرد جمعاً ۱/۸۷۹/۸۷۸ نفر می‌باشند. با اتخاذ سیاستهای جدید ارزی در اوائل سال ۱۳۷۴ و کاهش صادرات تعداد بافندگان فرش رو به کاهش گذاشت ولی بتدریج بعلمت عدم امکان دسترسی به شغلی دیگر مجدداً به بافندگی فرش روی آورند.

ب - مواد اولیه

مواد اولیه فرشبافی عموماً پشم، پنبه، ابریشم و مواد رنگی (طبیعی و شیمیائی) می‌باشد.

۱ - در خصوص پشم آمار تولید در داخل کشور بدرستی معلوم نیست ولی تخمین زده می‌شود که با وجود ۵۰ میلیون رأس گوسفند حدود ۶۰ هزار تن پشم ناشور تولید داخلی می‌باشد که مقداری از آن هم پشم دباغی شده است. نخ پشم استحصال شده از این مقدار پشم کمتر از ۲۵۰۰۰ تن می‌شود که بخشی از پشم و نخ مذکور به مصارف غیر از فرش دستباف نظیر گلیم و نمد و غیره می‌رسد. کمبود پشم مورد نیاز عمدتاً از طریق مرزهای زمینی و مقادیری هم از کشورهای استرالیا، زلاندنو و اورگوئه به کشور وارد می‌شود. میزان نخ پشم مصرفی در قالیبافی سالیانه حدود ۲۵۰۰۰ تن می‌باشد.

۲ - در زمینه رنگهای طبیعی که مواد اولیه آنها صددرصد ایرانی است نظر به محدود بودن میزان تولیدات و زحمات زیاد عمل



آوری، استفاده از آنها(به علت عدم وجود کارگاههای رنگرزی گیاهی برای تولید انبوه) مقرون به صرفه نیست.

۳- نخ پنبه مصرفی در قالبیابی عمدتاً داخلی می‌باشد. متأسفانه در سالهای اخیر برخی از واحدهای تولیدی بمنظور استحکام بیشتر نخ مقداری پلی استر در نخهای پنبه‌ای بکار می‌برند که این امر هم از مواریدی است که به فرش ایران لطمه وارد کرده است و اعتراضات خریداران فرش ایران در کشورهای خارج را بدنبال داشته است.

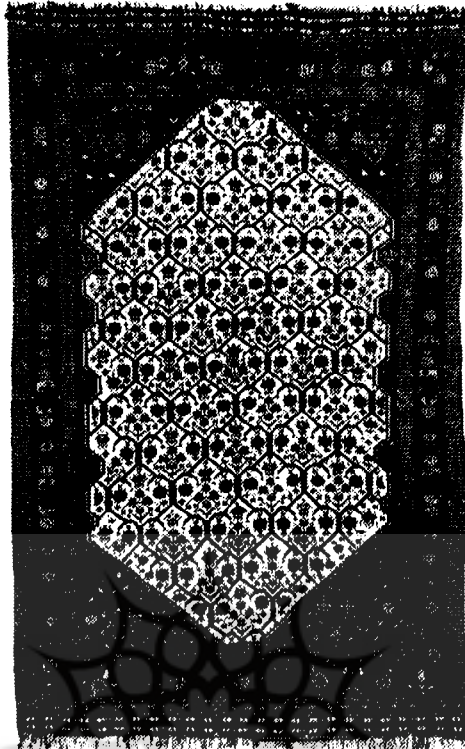
۴- ابریشم مورد نیاز قالبیابی عمدتاً از ابریشم داخلی و مقدار کمی هم از خارج تأمین می‌گردد
ج- ابزار تولید

ابزار تولید در قالبیابی شامل دار، قیچی، دغه، قلاب، و کارد، و غیره می‌باشند. تعداد دارهای فعال در ایران حدود ۱۰۲۰۰۰۰۰ دستگاه تخمین زده می‌شود. قیمت متوسط هر دار قالی ۲×۳ حدود ۴۰۰۰۰۰۰ ریال و بهای ابزار مورد نیاز هر دار قالی حدود ۷۰۰۰۰۰ ریال برآورد می‌گردد. در اجرای تصمیم اتخاذ شده در کمیته بند م تبصره ۵ قانون بودجه سال ۷۶ مبنی بر تعیین استاندارد دار و ابزار قالی بافی در شصت و نهمین جلسه کمیته ملی استاندارد ایران با حضور کارشناسان سازمانها و نهادهای مختلف استاندارد دار و ابزار قالی بافی تعیین و به تصویب نهائی رسیده است اما نظریاتیکه اجباری بودن آن امکانپذیر نمی‌باشد لذا پیشنهاد شده است این مسئله بصورت استاندارد تشویقی در نظر گرفته شود.

د- سرمایه

۱- سرمایه ثابت

سرمایه ثابت در بخش صنعت فرش شامل ساختمان، سرقفی مکان، دار و ابزار، وسیله نقلیه، هزینه‌های اشتراک آب، برق، تلفن و غیره می‌باشد. بدلیل خانگی بودن



قیمت تمام شده فرش ایران با سرمایه گذاری جدید مقرون بصرفه نیست و اقتصادی نمی‌باشد اما تولیدکننده فرش که در امروز هزینه‌های ثابت و حتی بعضی از هزینه‌های متغیر را قبلاً پرداخت کرده است تا زمانی که هزینه جاری متغیر آخرین واحد فرش تولیدی اش از بهای آخرین واحد فرش فروش رفته بیشتر نشود به تولید فرش ادامه می‌دهد و حتی تا نقطه سربه سر هم به تولید ادامه خواهد داد لذا می‌باید تدابیری اندیشید که تولیدکننده فرش با سودآوری مناسب امیدوارانه به قالبیابی ادامه دهد.

این صنعت سرمایه گذاری در زمینه ساختمان و محل کارگاه محدود بوده و تعداد کمی کارگاه در این رشته مشغول بکار می‌باشند. قوانین موجود در خصوص مسائل بیمه و مالیات و عوارض مربوط به کارگاهها موجب گردیده که کارگاههای متمرکز در طی دهه‌های اخیر تعطیل گردند.

۲- سرمایه در گردش

سرمایه در گردش در بخش صنعت فرش عمدتاً شامل حقوق و دستمزد، مواد اولیه، خواب سرمایه در مورد فرشهای فروش نرفته، اسناد اعتباری دریافت شده از خریداران فرش، حمل و نقل و غیره می‌باشد. حقوق و دستمزد و مواد اولیه بعنوان هزینه‌های متغیر جاری در تولید اجتناب‌ناپذیر می‌باشند اما در خصوص خواب سرمایه و فروشهای اعتباری باید در نظر داشت در شرایط کنونی بطور متوسط فرش دستباف ۲ سال خواب سرمایه برای فروش و برگشت سرمایه دارد.

بخش دوم - کمیته‌های تولیدی فرش

۱- میزان تولید

میزان تولید فرش دستباف در کشور با توجه با آمارگیری صنعت و معدن در سال ۱۳۷۲ حدود ۷/۵ میلیون متر مربع برآورد شده است و چنانچه تورم داخلی همچنان ادامه داشته باشد و نرخ ارز هم تقریباً ثابت بماند امیدی به افزایش تولید نیست و می‌باید انتظار روند نزولی تولید را داشت و بدنبال این گسترش بیکاری اولین پیامد شرایط موجود می‌باشد.

جدول مقایسه انواع فرشهای تولیدی در ایران را که براساس آمارگیری سال ۱۳۷۲ انجام گرفته است نشان می‌دهد.

بررسیهای آماری نشان می‌دهد میزان تولید رابطه مستقیم با صادرات فرش داشته است هر زمان که صادرات فرش رونق داشته است تولید فرش افزایش یافته. در سالهای اول جنگ تحمیلی عراق به ایران صادرات فرش که با مشکلاتی هم همراه

بر مبنای قیمت‌های عمده فروشی انجام می‌گرفت و قیمت‌های فروش هم به لحاظ بروز برخی مشکلات و تورم داخلی مرتباً افزایش می‌یافت لذا آمار صادرات فرش در طی سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ افزایش قابل توجهی را نشان داده‌است و مشکلات صادرات فرش به لحاظ ناهماهنگی قیمت‌های داخلی و نرخهای صادراتی فرش شروع و میزان صادرات آن رو به کاهش گذاشت و در سال ۱۳۶۱ به پائین‌ترین سطح خود رسید.

از سال ۱۳۶۲ با اتخاذ سیاستهای تشویقی دولت و همچنین تعیین قیمت‌های صادراتی فرش برپایه قیمت‌های بین‌المللی تدریجاً صادرات فرش روند صعودی را طی نموده و در سال ۱۳۷۳ به بالاترین سطح رسید و سپس از اوایل سال ۱۳۷۴ به لحاظ اتخاذ سیاستهای ارزی و رکود حاکم بر بازارهای جهانی صادرات فرش مجدداً روند نزولی را طی نموده و به رقم ۵۹۵ میلیون دلار در سال ۱۳۷۶ کاهش یافته است.

۳- بازارهای جهانی فرش و سهم ایران
صادرات فرش ایران عمدتاً به کشورهای اروپائی، ژاپن و کانادا و چند کشور جنوب شرقی آسیا انجام می‌گیرد. جامعه مشترک اروپا طی سالهای ۷۳-۱۳۷۶ سالیانه حدود ۶۵ درصد صادرات فرش ایران را بخود اختصاص داده است. کشورهای آلمان، سوئیس، ایتالیا، بلژیک و انگلستان در سال ۱۳۷۳ به تنهایی ۶۰ درصد صادرات فرش ایران را وارد نموده‌اند. از دیگر بازارهای فرش ایران را می‌توان کشورهای امارات متحده عربی و استرالیا نام برد. کشورهای عمده صادرکننده فرش و سهم هر یک از آنها از بازار جهانی فرش را طی سالهای ۱۹۷۶ الی ۱۹۹۶ نشان می‌دهد.

«همانطور که جدول نشان می‌دهد سهم ایران از تجارت جهانی فرش از ۴۱ درصد در سال ۱۹۷۶ طی یک دوره ۲۰ ساله به ۳۱

مقایسه مساحت	کمتر از ۶ مترمربع	۶ تا ۹ مترمربع	بالاتر از ۹ مترمربع	کل تولید
	۴/۸۰۰/۰۰۰	۱/۸۰۰/۰۰۰	۹۰۰/۰۰۰	۷/۵۰۰/۰۰۰
	۶۴ درصد	۲۳ درصد	۱۲ درصد	۱۰۰ درصد
	تولید	تولید	تولید	
مقایسه رجشمار	۲۳ رج به پائین	۲۵ تا ۵۱ رج	۵۲ رج به بالا	..
	۱/۵۷۵/۰۰۰	۵/۴۰۰/۰۰۰	۵۲۵/۰۰۰	
	۲۱ درصد	۷۲ درصد	۷ درصد	
مقایسه نوع چله	پنبه‌ای	پشمی	ابریشمی	..
	۵/۶۲۵/۰۰۰	۱/۵۰۰/۰۰۰	۳۷۵/۰۰۰	
	۷۵ درصد	۲۰ درصد	۵ درصد	
مقایسه نوع پرز	پشمی	پشمی و ابریشمی	ابریشمی	..
	۶/۶۷۵/۰۰۰	۶۰۰/۰۰۰	۲۲۵/۰۰۰	
	۸۹ درصد	۸ درصد	۲ درصد	

مأخذ: نتایج کلی آمارگیری صنعت و معدن کل کشور در سال ۱۳۷۴

۱۳۷۳ حدود ۸۵ درصد فرشهای تولیدی به کشورهای خارج صادر گردیده است. در سال مذکور میزان ۳۶۲۴۳ تن فرش به ارزش * ۱۶۷۴ میلیون دلار صادر شده است. در اوایل سال ۱۳۷۴ با اتخاذ سیاستهای ارزی دولت از یک طرف و از طرف دیگر مشکلات اقتصادی در کشورهای عمده خریدار فرش موجب گردید صادرات فرش دستباف کاهش یابد بطوریکه در سال ۱۳۷۶ بر اساس آمار برآورد گمرک میزان ۲۲۷۳۴ تن فرش به ارزش ۵۹۵ میلیون دلار بخارج از کشور صادر گردیده است.

شایان ذکر است اوج صادرات فرش ایران در سال ۱۳۷۳ و دومامه اول سال ۱۳۷۴ بوده است. جدول زیر میزان صادرات فرش دستباف و روند آن را از سال ۱۳۵۲ الی ۱۳۷۶ نشان می‌دهد.

اضافه می‌نماید از سال ۱۳۵۹ صادرکنندگان فرش ملزم به سپردن پیمان ارزی گردیدند و نظر به اینکه ارزیابی فرشهای صادراتی بر اساس قانون گمرکی

بود به پائین‌ترین سطح رسید و بدنبال آن میزان تولید فرش دستباف هم به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت. اما با اتخاذ سیاستهای تشویق صادرات که از سال ۱۳۶۳ شروع گردیده صادرات فرش تدریجاً روند صعودی را طی نمود و بدنبال آن با اجرای برنامه‌ها و گسترش فعالیتهای تولیدی فرش توسط سازمانها و نهادهای مختلف میزان تولید فرش دستباف هم افزایش یافت و به مرز ۷/۵ میلیون متر مربع رسید.

جدول ذیل برآورد تولید فرش دستباف را در طی سالهای مختلف نشان می‌دهد:

سال	میزان تولید
۱۳۶۰	۵/۲ میلیون متر مربع
۱۳۶۶	۵/۳ میلیون متر مربع
۱۳۷۳	۷/۵ میلیون متر مربع

۲- میزان صادرات
بخش اعظم تولید فرش دستباف ایران به خارج از کشور صادر می‌شود در سال

صادرات فرش ایران طی سالهای ۱۳۵۲

الی ۱۳۷۶

سال	مقدار به هزارتن	ارزش به میلیون دلار
۱۳۵۲	۱۱/۷	۱۰۲
۱۳۵۳	۱۴/۳	۱۱۵
۱۳۵۴	۱۴/۴	۱۰۲
۱۳۵۵	۶/۸	۹۳
۱۳۵۶	۶	۸۳
۱۳۵۷	۵/۵	۸۳
۱۳۵۸	۷/۶	۳۱۱
۱۳۵۹	۵/۲	۳۲۰
۱۳۶۰	۲/۱	۱۶۹
۱۳۶۱	۱	۸۰
۱۳۶۲	۱/۹	۱۱۰
۱۳۶۳	۳/۲	۱۱۷
۱۳۶۴	۳/۱	۱۳۴
۱۳۶۵	۱۰/۶	۳۹۰
۱۳۶۶	۱۲/۹	۳۸۱
۱۳۶۷	۷/۶	۳۰۴
۱۳۶۸	۸/۳	۳۵۳
۱۳۶۹	۱۰/۸	۵۰۳
۱۳۷۰	۲۰	۱۱۱۷
۱۳۷۱	۱۹/۸	۱۰۹۳
۱۳۷۲	۲۹/۱	۱۳۸۳
۱۳۷۳	۳۶/۲	۱۶۷۳
۱۳۷۴	۲۶/۴	۹۱۹
۱۳۷۵ *	۲۱	۶۰۲
۱۳۷۶ *	۲۲	۵۹۵

* مأخذ - آمار بازرگانی خارجی کشور

* به علت کاهش سی درصدی نرخ پیمان فرش در سال ۷۵ بخشی از کاهش صادرات فرش در این سال مربوط به کاهش قیمت پیمان می باشد.

* در سال ۱۳۷۶ مقدار ۱۵۰ میلیون دلار صادرات فرش همراه مسافر بوده است که در آمار رسمی کشور لحاظ نشده است.

صادرات فرش ایران به این جامعه انجام می شود. وابستگی زیاد فرش ایران را به اروپا نشان می دهد و مسئله مذکور آسیب پذیری صادرات فرش ما را در صورت بروز هرگونه اختلال در روابط فیما بین ایران با کشورهای عضو اتحادیه اروپائی بدنبال خواهد داشت لذا ضرورت دستیابی به بازارهای جدید و گشودن راههای جدید بمنظور کمتر نمودن این وابستگی بیش از پیش احساس می شود.

در مورد روند تجارت فرش در جهان براساس آمارهای منتشره توسط مرکز تجارت بین المللی، ارزش تجارت جهانی فرش از ۳۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۵ به ۲۲۰۷ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ افزایش یافته است. البته این افزایش با توجه بروند نزولی قیمت فرش کشورهای صادرکننده در طی ۲۰ ساله اخیر ناشی از صدور حجم زیاد فرش با قیمت ارزان توسط کشورهای مختلف و رقابت آنها جهت کسب سهم بیشتر از بازار جهانی می باشد. جدول ذیل ارزش واردات جهانی فرش دستباف در طی سالهای ۱۹۸۹ الی ۱۹۹۶ نشان می دهد.

واردات جهانی فرش دستباف

سال	ارزش - میلیون دلار
۱۹۸۹	۲۲۴۹
۱۹۹۰	۲۳۴۰
۱۹۹۱	۲۳۸۱
۱۹۹۲	۲۲۷۲
۱۹۹۳	۲۳۸۳
۱۹۹۴	۲۴۶۲
۱۹۹۵	۲۲۰۷
۱۹۹۶	۲۰۰۰

* مأخذ آمار مرکز تجارت جهانی

همانطوریکه در آمارهای فوق الذکر مشاهده می شود بالاترین میزان تجارت جهانی فرش در سال ۱۹۹۴ می باشد که بخش قابل توجهی از آن مربوط به افزایش

کشورهای صادرکننده فرش بالاترین سهم از تجارت جهانی فرش را بخود اختصاص داده است.

نکته قابل ذکر اینکه با توجه به نوسانات و رویدادهای اقتصادی و سیاسی در جامعه اروپائی و در نظر داشتن این که ۶۵ درصد

درصد در سال ۱۹۹۶ کاهش یافته است و این در حالی است که سهم هندوستان طی این دوره از ۸/۹ درصد به ۲۰ درصد و سهم چین از ۴/۹ درصد به ۱۷ درصد و سهم ترکیه از ۳/۷ درصد به ۷ درصد افزایش یافته است ولی هنوز هم ج. ا. ا در بین

درصد سهم کشورهای صادرکننده فرش دستباف در تجارت جهانی از لحاظ

ارزش

نام کشور	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۸۰	۱۹۷۶
ایران	۳۱	۲۹/۸۲	۲۵/۷۴	۲۰/۵۹	۲۹/۱۶	۳۵/۷	۳۱
هندوستان	۲۰	۱۸/۶۴	۱۶/۷۷	۱۸/۳۳	۱۶/۸۹	۱۴/۱۲	۸/۹
چین	۱۷	۱۷/۷۷	۱۶/۵۲	۱۶/۷۶	۱۶/۶۱	۱۵/۴۵	۴/۹
نیپال	۹	۸/۲۲	۸/۰۸	۹/۵۲	۸/۲۸	-	-
پاکستان	۸	۷/۳۲	۶/۰۹	۶/۷۱	۷/۷۹	۱۵/۱	۱۲/۱
ترکیه	۷	۶/۱۷	۵/۳۲	۵/۸۷	۷/۳۱	۵/۹۶	۳/۷
مراکش	-	۱/۳۹	۱/۲۱	۱/۲۱	۱/۲۵	۱/۷۲	۵/۸

مأخذ - آمار مرکز تجارت بین المللی

فروش ۹۵/۰۰۰ ریال
 - قیمت متوسط مصرف نخ پنبه در هر مترمربع
 فروش ۳۳/۰۰۰ ریال
 - هزینه استهلاک ابزار قالبیابی در هر مترمربع فرش ۳/۰۰۰ ریال
 - استهلاک دار قالی در هر مترمربع فرش ۸۰۰۰ ریال
 - هزینه متوسط نخ ابریشم در هر مترمربع فرش
 ابریشمی ۵۰۰/۰۰۰ ریال
 - هزینه متوسط دستمزد فرش تمام ابریشم
 هر مترمربع ۵۰۰/۰۰۰ ریال
 - هزینه متوسط دستمزد هر مترمربع فرش چله
 ابریشم ۷۰۰/۰۰۰ ریال
 - هزینه متوسط دستمزد هر مترمربع فرش پشمی ۱۷۰/۰۰۰ ریال

تخمین و برآورد نموده و بعنوان پایه
 محاسبات مورد استفاده قرار گرفته‌اند.
فهرست آمار و اطلاعات صنعت فرش
 - تعداد دارهای فعال قالبیابی کشور ۱/۲۰۰/۰۰۰ دار
 - تعداد بافندگان ۱/۸۷۹/۰۰۰ نفر
 - تعداد شاغلین جنبی ۲۸۵/۰۰۰ نفر
 - متوسط مصرف نخ پشم در هر متر مربع فرش پشمی ۴/۸ کیلوگرم
 - متوسط مصرف نخ پنبه برای تار و بود هر مترمربع
 فرش ۲/۳ کیلوگرم
 - متوسط مصرف نخ ابریشم اعم از تار و بود در هر متر
 مربع فرش ابریشمی ۳/۵ کیلوگرم
 - متوسط قیمت نقشه برای متر مربع فرش پشمی ۱۵/۰۰۰ ریال
 - متوسط هزینه ابزار قالبیابی برای هر دار قالی ۷۰/۰۰۰ ریال
 - متوسط بهای یک دار فلزی قالبیابی ۴۰۰/۰۰۰ ریال
 - قیمت متوسط مصرف نخ پشم در هر مترمربع

صادرات فرش ایران در سال ۱۳۷۳ بوده
 است و پس از این سال واردات جهانی فرش
 بخاطر مشکلات موجود در بازارهای جهانی
 روند نزولی را طی می‌نماید.
بخش سوم - بررسیهای اقتصادی
 الف) مقدمه
 همانطوریکه قبلاً اشاره گردید برای هر
 تحلیل اقتصادی نخست باید آمار و ارقام
 قابل اعتماد در دست باشد از آنجا که
 اطلاعات و آمارهای مربوط به صنعت فرش
 یا در دسترس نیستند و یا اینکه غیر قابل
 قبول هستند لذا بمنظور حصول اطمینان از
 آمارهای موجود دبیرخانه کمیته پندک
 تبصره ۵ قانون بودجه طی چندین نشست
 با مسئولان و کارشناسان فرش اقدام به
 تبادل نظر و بررسی مقایسه‌ای آمارهای
 کلان و خرد نموده و نتایج زیر را که
 می‌توان آنها را به واقعیت نزدیک دانست

براساس آمارهای منتشره توسط مرکز تجارت بین‌المللی، ارزش تجارت
 جهانی فرش از ۳۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۵ به ۲۲۰۷ میلیون دلار در
 سال ۱۹۹۵ افزایش یافته است. البته این افزایش با توجه بروند نزولی قیمت
 فرش کشورهای صادرکننده در طی ۲۰ ساله اخیر ناشی از صدور حجم زیاد
 فرش با قیمت ارزان توسط کشورهای مختلف و رقابت آنها جهت کسب سهم
 بیشتر از بازار جهانی می‌باشد. جدول ذیل ارزش واردات جهانی فرش
 دستباف در طی سالهای ۱۹۸۹ الی ۱۹۹۶ نشان می‌دهد.

ب - سرمایه گذاری

۱ - سرمایه گذاری ثابت:

ساختمان
 از آنجائی که اکثر قالی‌ها در ایران بصورت
 خانگی بافته می‌شود و براساس آمارگیری
 سال ۱۳۷۳ مرکز آمار ایران، ۸۳/۶ درصد
 بافندگان فرش را زنان تشکیل می‌دهند و
 معمولاً خانمهای بافنده فرش در همان اتاق
 که زندگی می‌کنند به بافت فرش هم مشغول
 هستند لذا نکته بسیار مهم قالبیابی در ایران



عوامل تولید	مقدار	قیمت متوسط
پشم مصرفی	۳/۸ کیلوگرم	۹۵۰۰۰
نخ پنبه	۲/۳ کیلوگرم	۳۳۰۰۰
هزینه نقشه		۱۵۰۰۰
هزینه استهلاک ابزار		۳۰۰۰
دستمزد		۱۷۰۰۰۰
هزینه‌های آماده سازی		۱۵۰۰۰
هزینه‌های قانونی		۲۵۰۰۰
بانک و غیره		
هزینه دارقالی و سایر هزینه‌ها		۲۴۰۰۰
جمع		۳۸۰/۰۰۰

بهره‌گیری از فرصت‌های بلا استفاده در زندگی خانوار می‌باشد. تعیین و برآورد ارزش ساختمان محل بافت فرش و کارگاهها و واحدهای ریسندگی و فعالیتهای جنبی قالیبافی و همچنین سرقفلی انبارها و مغازه‌های فرش فروشی بعلت در دسترس نبودن آمار و اطلاعات مطمئن امکان پذیر نمی‌باشد. بهمین جهت ارزش ساختمان و محل بافت فرش و فعالیتهای جنبی X میلیارد ریال در نظر گرفته شده است.

- دار و ابزار

تعداد دارهای فعال قالیبافی در کشور ۱/۲۰۰/۰۰۰ دستگاه تخمین زده می‌شود و معادل همین تعداد نیز دارهای غیرفعال وجود دارد که ارزش آنها را می‌توان بعلت مستهلک شدن در نظر نگرفت و دارهای فعال را ۵۰ درصد ارزش دارهای نو بشرح ذیل محاسبه کرد:

$$\text{متوسط ارزش هر دار} \quad \text{تعداد دارقالی در کشور} \\ ۲۴۰ = ۲۰۰.۰۰۰ \times ۱.۲۰۰.۰۰۰$$

میلیارد ریال ارزش دارهای کشور

در مورد ابزار قالی بافی با در نظر گرفتن اینکه هر بافنده یک دست ابزار در اختیار دارد و در برخی موارد هم بعضی از بافندگان احتیاطاً بیش از یک دست ابزار دارند لذا ارزش ابزار قالیبافی کشور بشرح زیر محاسبه می‌شود.

$$\text{ارزش مردست ابزار} \quad \text{تعداد ابزار قالیبافی در کشور} \\ ۸۰ = ۳۰.۰۰۰ \times ۲.۷۰۰.۰۰۰ \\ ۱۰۰ = ۲۴۰ + ۸۰ + ۲۲۰ \times \text{میلیارد ریال}$$

۲- وسیله نقلیه

اگر وسیله نقلیه مناسب در صنعت فرش را حدود ۴۰۰۰ دستگاه و ارزش هر کدام را ۲۵ میلیون ریال در نظر بگیریم ارزش وسیله نقلیه که مستقیماً درگیر تولید فرش می‌باشند بشرح زیر محاسبه می‌شود.

$$\text{ارزش هر دستگاه} \quad \text{تعداد وسیله نقلیه} \\ ۱۰۰ = ۲۵۰.۰۰۰ \times ۴۰۰$$

میلیارد ریال ارزش وسیله نقلیه

بنابراین با توجه به محاسبات بالا برآورد کل سرمایه‌گذاری ثابت در صنعت فرش بصورت زیر می‌باشد.

$$\text{بهای هر متر مربع} \quad \text{متر از تولید} \\ ۱۲۲۵ = ۳۸۰.۰۰۰ \times ۵۰ \\ \text{میلیارد ریال سرمایه تولید} \\ ۲۸۵۰ = ۳۸۰.۰۰۰ \times ۷.۵۰۰.۰۰۰ \text{ میلیارد ریال}$$

«همانطور که جدول نشان می‌دهد سهم ایران از تجارت جهانی فرش از ۴۱ درصد در سال ۱۹۷۶ طی یک دوره ۲۰ ساله به ۳۱ درصد در سال ۱۹۹۶ کاهش یافته است و این در حالی است که سهم هندوستان طی این دوره از ۸/۹ درصد به ۲۰ درصد و سهم چین از ۴/۹ درصد به ۱۷ درصد و سهم ترکیه از ۳/۷ درصد به ۷ درصد افزایش یافته است ولی هنوز هم ج.ا.ا در بین کشورهای صادرکننده فرش بالاترین سهم از تجارت جهانی فرش را بخود اختصاص داده است.

خواب فرش تا مرحله فرش

$$۲۲۵۷ = ۲۸۵۰ + ۱۴۲۵ \text{ فروش میلیارد ریال}$$

بنابراین جمع سرمایه گذاری در صنعت فرش بدون احتساب ارزش ساختمان بصورت زیر است:

$$X + ۲۲۷۵ = ۲۶۹۵ + X$$

سرمایه در گردش سرمایه‌گذاری ثابت

میلیارد ریال

$$۶۲۶/۰۰۰ > ۷۵۰۰۰۰۰ \text{ به } ۴/۶۹۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰$$

متوسط برآورد سرمایه گذاری برای هر متر مربع فرش

سرمایه گذاری جدید در فرش با توجه به اینکه نرخ بهره بانکی را ۲۰ درصد محاسبه کنیم داریم:

$$\text{ریال } ۱۲۵۲۰۰ = ۲۰\% \times ۶۲۶۰۰۰$$

سود سالیانه سرمایه گذاری در هر متر مربع فرش

$$\text{ریال } ۵۰۵۲۰۰ > ۳۸۰۰۰۰ + ۱۲۵۲۰۰$$

برآورد قیمت تمام شده واقعی هر متر مربع فرش

بنابراین قیمت تمام شده فرش ایران با سرمایه گذاری جدید مقرون بصرفه نیست و اقتصادی نمی‌باشد اما تولیدکننده فرش

که در امروز هزینه‌های ثابت و حتی بعضی از هزینه‌های متغیر را قبلاً پرداخت کرده است تا زمانی که هزینه جاری متغیر

آخرین واحد فرش تولیدی اش از بهای آخرین واحد فرش فروش رفته بیشتر

نشود به تولید فرش ادامه می‌دهد و حتی تا نقطه سر به سر هم به تولید ادامه خواهد داد

لذا می‌باید تدابیری اندیشید که تولیدکننده فرش با سودآوری مناسب امیدوارانه به

قالیبافی ادامه دهد.

هزینه‌های ثابت تولید فرش به لحاظ عدم نیاز به ماشین آلات رقم بالائی را در هر متر مربع فرش تشکیل نمی‌دهد ولی هزینه‌های متغیر (مواد اولیه و دستمزد) درصد بالائی از هزینه تولید را بخود اختصاص داده اما متاسفانه در بعضی از مناطق قالیبافی بدلیل عدم استفاده بهینه از مواد اولیه مرغوب و تقلب در بافت بمنظور تولید فرش ارزان قیمت، لطمه سنگینی برآینده فرش دستباف کشور وارد نموده و این مسئله موجب خواهد شد در دراز مدت بافندگان خوب و متوسط از بافت فرش دلسرد گردند.

۳- دستمزد

طبق برآوردهای بعمل آمده متوسط هزینه دستمزد هر متر مربع فرش پشمی حدود ۱۷۰/۰۰۰ ریال می‌باشد و متوسط کارکرد سالیانه هر بافنده براساس آمارگیری سال ۱۳۷۲ به میزان ۱۶۵ روز در سال با ۵ ساعت کار روزانه برآورد گردیده است. این امر ناشی از فصلی بودن کار کشاورزی و فعالیت‌های ساختمانی و پرکردن خلاء ناشی از اوقات بیکاری بافنده فرش می‌باشد و محاسبات دستمزد بشرح زیر است:

$$۶۸۰/۰۰۰ \times ۴ = ۲۷۰۰/۰۰۰$$

متوسط دستمزد هر متر مربع فرش متوسط دستمزد سالیانه بافندگان

$$۱۲۲۶۲۶ = ۱۶۵ \times ۳۰ = ۶۸۰۰۰۰$$

ریال متوسط دستمزد ماهانه بافنده فرش با توجه باینکه تعداد خانوار قالیباف طبق سرشماری سال ۱۳۷۲ به میزان ۹۶۲/۵۹۰

خانوار و تعداد بافندگان ۱/۸۷۹/۸۷۸ نفر ذکر گردیده و این خانوارها از صنعت فرش منتفع می‌شوند لذا درآمد خانوار قالیباف به شرح زیر می‌باشد:

تعداد خانوار تعداد بافندگان دستمزد ماهانه

$$۲۲۱/۳۵۲ = ۹۶۲/۵۹۰ \times ۱/۸۷۹/۸۷۸ \times ۱۲۳/۶۲۶$$

متوسط درآمد خانوار در زمان یافت

$$۱۰۹/۱۵۰ = ۲۲۱/۳۵۲ \times ۱۶۵/۳۶۵$$

متوسط درآمد خانوار از محل قالیبافی در ماه

تعداد خانوارهای قالیباف تعداد اعضاء خانوارهای قالیباف کشور

$$۶/۲۲ - ۹۶۲۵۹۰ = ۶۲۰۰۰۰۹$$

متوسط تعداد نفرات هر خانوار

$$۱۰۹۱۵۰ = ۶/۲۲ \times ۱۶۹۴۸$$

ریسال متوسط سهم هر عضو خانوار قالیباف از درآمد ماهیانه خانوار

ملاحظه می‌شود که رقم فوق الذکر بسیار ناچیز می‌باشد اما چه باید کرد اگر خانوار قالیباف هم از این درآمد محروم بماند از کجا و از چه منبعی باید تامین شود مضافاً

اینکه صادرات چه کالاهائی می‌تواند در شرایط کنونی جایگزین فرش در کوتاه مدت شود. براساس آمارگیری سال ۱۳۷۲

حدود یک سوم از جمعیت قالیباف ایران بی‌سواد هستند و ضرورت دارد از حقوق انسانی، اجتماعی و اقتصادی این قشر به

نحوی دفاع گردد.

۴ - تکنولوژی تولید

با نگاهی به روند تولید تصویر مناسبی از بومی بودن این هنر ملی می‌توان ترسیم

کرد. روند تولید شامل اندازه فرش و نقشه آن، انتخاب رنگ و مواد اولیه مناسب با رجشمار انتخابی، چله کش، آماده سازی برای بافت، گلیم بافی و شروع کارگره زدن پسرز فرش، پودکشی نازک و ضخیم، شیرازه پیچی، دغه زدن، قیچی کردن پسرز، اتمام بافت و پائین آوردن فرش از دار. اندازه فرش بستگی به ساختمان سازی و معماری هر منطقه دارد. هم اکنون مهندسين ایرانی به تقلید از مهندسی غربی ورودی خانه را یک هال می دهند که حداقل ۴ یا ۵ درب در آن باز می شود و دیگر جایی برای نشستن روی زمین باقی نمی ماند. تلویزیون در گوشه ای از هال و میز و صندلی در میان آن قرار دارد. در این چنین شرایطی فرش دستباف و پستی نقش کم رنگی را بازی می کند و نقش اصلی را میز و صندلی و تلویزیون بعهده دارند و مهندس ایرانی نمی داند که با این معماری مادر خود را که او را با درآمد بافندگی فرش بزرگ کرده و به دانشگاه فرستاده بیکار کرده است. حرکت ما در ایران با توجه به میزان درآمد و هزینه توده مردم و معماری رایج امروزی به سمت کم رنگ شدن نقش فرش دستباف در خانه های ما باشد و در آینده باید بین تولید کمتر فرش همراه با بیکاری فزاینده و یا اصلاح ساختار اقتصادی و پولی و مالی کشور یکی را انتخاب کرد. طراحان نقشه های فرش ایرانیان هستند و حرف اول را در دنیا می زنند. تنوع طرح و رنگ فرش ایران امتیاز بزرگی است که فرش ایران در مقابل رقبای فرش ایرانی سربلند کرده است و امکان صدور تکنولوژی طراحی فرش را داریم. اما به منظور حفظ برتری فرش ایران این امر به صلاح نمی باشد.

رنگرزی خامه فرش به دو گونه می باشد، رنگرزی طبیعی و شیمیائی. رنگرزی طبیعی مستلزم زمان و هزینه و سختی کار بیشتری است و در عوض رنگهای با ثبات و

اصیلی را ارائه می دهد و در حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از رنگرزی خامه های موجود را جوابگو می باشد. اکثر رنگرزی خامه ها بصورت شیمیائی است که مواد رنگی آن از خارج وارد می شود.

مواد اولیه مورد مصرف در فرش شامل پشم، پنبه و ابریشم است. میزان پشم مورد نیاز با احتساب ۷/۵ میلیون متر مربع تولید فرش حدود ۷۰ هزار تن پشم ناشور می باشد و با توجه به تولید ۶۰ هزار تن پشم داخلی در نهایت سالیانه حدود ۱۲ هزار تن کمبود پشم خواهیم داشت که معمولاً بخشی از آن از کشورهای استرالیا، زلاندنو و اروگوئه و مقداری هم از طریق مرزهای زمینی به کشور وارد می شود. اضافه می نماید تمام پشمهای وارداتی در صنعت فرش استفاده نمی شود و همچنین از میزان واردات پشم از مرزهای زمینی آماري در دست نمی باشد.

ارقام زیر محاسبات میزان تولید و مصرف پشم مورد نیاز در صنعت فرش را نشان می دهد.

کیلوگرم استحصال پشم از هر کوسفند تعداد رأس کوسفند کشور

۶۰۰۰ = ۱/۲ × ۵۰۰۰/۱۰۰۰

میزان تولید پشم کشور به تن

پژوهشگاه علوم انسانی
بقیه در صفحه ۳۹

بقيه از صفحه ۳۷

ضروریترین نیازهای اقشار محروم جامعه می باشد.

باتوجه به آنچه گفته شد بی شک یکی از روشهای موفق برای محرومیت زدایی در کشور استفاده از تعاونها است که شرط لازم برای فعال نمودن این بخش تخصیص اعتبارات لازم به بخش تعاون جهت پیشبرد امر آموزش از یک سو، و اتخاذ تصمیمات مناسب به منظور همکاری بیش از پیش سیستم بانکی کشور جهت پرداخت

اعتبارات تخصیص داده شده به بخش تعاون - به متقاضیان تشکیل شرکتهای تعاونی - از سوی دیگر است.

منابع و مآخذ

- ۱- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، بررسی جایگاه تعاون در بازرگانی خارجی کشور، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ۱۳۶۸
- ۲- دفتر امور اقتصادی وزارت تعاون، آمار شرکتهای تعاونی معدنی کشور بر اساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران، وزارت تعاون، ۱۳۷۲.
- ۳- اداره کل تعاون استان فارس، پیک تعاون (۲)، ۱۳۷۲
- ۴- اداره کل تعاون استان سیستان و بلوچستان، عملکرد اداره کل تعاون استان سیستان و بلوچستان تا پایان سال ۱۳۷۴
- ۵- اتاق تعاون مرکزی، فصلنامه اتاق تعاون استان مرکزی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۷۳.
- ۶- گزارش اجمالی از: چگونگی تأسیس و عملکرد مؤسسه هماهنگی صیادی.
- ۷- دفتر امور اقتصادی و برنامه ریزی وزارت تعاون، "تحلیلی بر وضعیت تعاونیهای ایثارگران طی سالهای ۱۳۷۲-۱۳۷۳"، وزارت تعاون، تهران، ۱۳۷۴
- ۸- دفتر تعاونیهای تولیدی و خدمات تولیدکنندگان وزارت تعاون، "گزارش طرحهای افتتاحی تعاونیها در هفته تعاون، سال ۱۳۷۴ وزارت تعاون، تهران، ۱۳۷۴.
- ۹- دفتر امور تعاونیهای کشاورزی وزارت تعاون، "خلاصه عملکرد تعاونیهای کشاورزی در برنامه پنجساله اول توسعه".
- ۱۰- اداره کل تعاون استان کهگیلویه و بویراحمد، "اداره کل تعاون استان کهگیلویه و بویراحمد در یک نگاه" باسوج، ۱۳۷۲.
- ۱۱- مرکز آمار ایران، "سرآورد متوسط هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی"، تهران، ۱۳۷۳.

زیر نویس ها:

- ۱- قره باغان، مرضی، اقتصاد رشد و توسعه، نشر نی، تهران ۱۳۷۰
- ۲- بدخشان، گیتی، روشهای جدید بازاریابی محصولات کشاورزی، مجله بانک و کشاورزی.
- ۳- شهپرور، علی حسین، "توسعه تعاونیها در استان کهگیلویه و بویراحمد"، مجله تعاون، شماره ۴۲.
- ۴- روابط عمومی اداره کل تعاون استان کردستان، "عملکرد اداره کل تعاون استان کردستان در سال ۱۳۷۲"
- ۵- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۷۳، تهران، سال ۱۳۷۳.

